

عدم تأمین و توزیع مناسب و رایگان واکسن نه تنها سیاست اجباری شدن واکسیناسیون را بی تأثیر می‌کند، بلکه به شیوه‌ای ناعادلانه بار روانی زیادی را به کسانی که باید واکسینه شوند اما به آن دسترسی ندارند، تحمیل خواهد کرد.

بودن در مقابل بیماری‌های عفونی مانند آنفلوآنزا را نیز مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی کارکنان خود اعلام می‌کردند و حتی در مواردی ادامه کار را مشروط به انجام واکسیناسیون می‌دانستند.

در شرایط پاندمی کرونا، واکسیناسیون اجباری برای عموم جامعه به ندرت پیشنهاد شده است. فقدان مقادیر کافی واکسن مؤثر در بسیاری از کشورها، الزام به انجام واکسیناسیون جمعیت عمومی را از نظر اخلاقی غیرقابل دفاع و از نظر عملی غیرممکن کرده است. حتی در صورت وجود میزان کافی از واکسن مؤثر، سیاست گذاران باید نسبت به اثربخشی واکسیناسیون اجباری در دستیابی به اهداف حوزه سلامت عمومی، شواهد کافی ارائه کنند. اما در برخی شرایط، سیاست گذاران نظام سلامت ممکن است به اجبار و الزام واکسیناسیون در گروه‌های خاص مانند کارکنان نظام سلامت یا محیط‌های آموزشی بیندیشند؛ برای مثال در ماه می ۲۰۲۱ ایتالیا اولین کشوری بود که انجام واکسیناسیون علیه کووید ۱۹ را برای کارکنان نظام سلامت الزامی کرد. در چنین شرایطی نیز لازم است تا ملاحظات اخلاقی مطرح در فرآیند اتخاذ تصمیم و اعمال این سیاست مورد توجه قرار گیرند.

ملاحظات اخلاقی واکسیناسیون اجباری کووید ۱۹

مبنای مباحث اخلاقی مطرح در خصوص واکسیناسیون اجباری، تعارض میان سلامت جامعه و حق افراد برای اتخاذ تصمیم‌های شخصی مربوط به سلامت و بیماری‌شان است. استدلال‌های

نتیجه‌گرایانه در دفاع از واکسیناسیون اجباری چنین ادعا می‌کنند که هرچه میزان ایمنی‌زایی بیشتر باشد، نتایج مطلوب بیشتری به بار خواهد آورد، جان‌های بیشتری نجات خواهند یافت، از عوارض بیماری کاسته خواهد شد و بنابراین در مجموع خیر بیشتری نصیب جامعه خواهد شد. بر اساس این دیدگاه واکسیناسیون اجباری از نظر اخلاقی قابل دفاع خواهد بود؛ زیرا نتایج بهتری در محافظت از سلامت جامعه خواهد داشت؛ پیامدهایی مانند کاهش انتقال ویروس، کاهش موارد بستری، موارد ابتلا و مرگ و میر کمتر. مخالفان این دیدگاه بر این باورند که اتکای همه بار استدلال اخلاقی بر دوش یک اصل، یعنی نتیجه یا فایده بیشتر، محدودیت این دیدگاه را می‌رساند. در مقابل، توجه به عقاید و مصالح شخصی افراد و اتخاذ سیاست‌های تشویقی می‌تواند احساس همبستگی اجتماعی و تمایل به ارجح دانستن منافع جمعی را در افراد جامعه افزایش دهد. از سوی دیگر برخی از مدافعان واکسیناسیون اجباری چنین ادعا می‌کنند که الزام به دریافت واکسن، تعارضی با آزادی‌ها و مصالح فردی نداشته بلکه می‌توان به آن، به عنوان ابزاری برای محافظت از حقوق اساسی پذیرفته شده انسانی مانند حق بر زندگی، سلامت، آموزش و کار نگریست. اما حتی اگر بر مبنای چنین استدلال‌هایی بپذیریم که می‌توان واکسیناسیون را الزامی کرد، ملاحظات و پیش‌بینی‌های زیر برای سیاست‌گذاری در خصوص الزام به انجام واکسیناسیون باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

واکسیناسیون اجباری تنها زمانی باید با عنوان یک

تبیین ضرورت مداخله